

دگرگونی در طبقه‌های اجتماعی ایران
از دههٔ ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۹۷

محمد رحمان زاده هروی



نشر اختران

سرشناسه	: رحمان‌زاده، محمد، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: دگرگونی در طبقه‌های اجتماعی ایران از دهه ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۹۷ / محمد رحمان‌زاده هروی
مشخصات نشر	: تهران : اختران ، ۱۳۹۸ .
مشخصات ظاهری	: ۵۴۴ ص.
شابک	: 978-964-207-237-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: طبقات اجتماعی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	: Social classes -- Iran -- History -- 20th century
موضوع	: طبقات اجتماعی -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Social classes -- Iran -- History
رده بندی کنگره	: HN ۶۷۰/۲
رده بندی دیویی	: ۳۰۵/۵۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۳۵۸۶۲



نشر اختران

دگرگونی در طبقه‌های اجتماعی ایران

از دهه ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۹۷

محمد رحمان‌زاده هروی

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی پارسیان - چاپ و صحافی: چکاد چاپ

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۱ تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran
 Instagram. akhtaranpub - akhtaranbook@yahoo.com - www.akhtaranbook.ir
 شابک: ۳-۰۱۸-۲۰۷-۹۶۴-۹۷۸

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۹۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۷ پیشگفتار
۱۷ (۱) چرایی نگارش این کتاب
۲۲ (۲) سپاسگزاری
۲۳ فصل یکم: نگاهی مفهومی به «طبقه اجتماعی» در جهان و ایران
۲۴ بخش یکم: مفهوم و زمینه پیدایش طبقه اجتماعی
۲۴ (۱) مقدمه
۲۷ (۲) چیستی و مفهوم «طبقه»های اجتماعی و شرایط پیدایش آن
۲۹ (۳) الگو و ابزارهای شناخت طبقه‌های اجتماعی در گذر زمان
۳۲ بخش دوم: چند برداشت مفهومی از طبقه اجتماعی
۳۲ (۱) تعریف طبقه‌های اجتماعی
۳۶ (۲) کارل مارکس و طبقه‌های اجتماعی
۴۸ (۳) سوسیالیسم و طبقه‌های اجتماعی
۵۱ (۴) برداشت کارل مارکس از طبقه‌های اجتماعی
۵۷ (۵) ماکس وبر و طبقه‌های اجتماعی
۵۹ (۶) برداشت ماکس وبر از طبقه‌های اجتماعی
۶۱ (۷) امیل دورکهایم و طبقه‌های اجتماعی
۶۴ (۸) طبقه اجتماعی، درآمد و رفاه
۶۷ (۹) طبقه اجتماعی، و حزب سیاسی
۶۸ (۱۰) طبقه اجتماعی، و دولت
۷۰ (۱۱) روش بررسی طبقه‌های اجتماعی در این کتاب
۷۷ فصل دوم: جمعیت و مهارت‌های کاری آن در ایران از میانه دهه ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۹۶
۷۸ بخش یکم: ساختار جمعیتی و مهارت‌های آموزشی آن در شش دهه گذشته
۷۸ (۱) مقدمه
۷۹ (۲) چکیده اطلاعات جمعیتی کشور در شش دهه گذشته
۸۲ (۳) جمعیت و رشد شهرنشینی کشور در شش دهه گذشته
۸۵ (۴) جمعیت، آموزش و مهارت‌های کاری در شش دهه گذشته
۹۰ (۱-۴) جمعیت دانش‌آموزان و روند دگرگونی آن در دوره بررسی
۹۲ (۲-۴) جمعیت دانشجویی و روند دگرگونی آن در دوره بررسی
۹۵ (۳-۴) جمعیت دانشجویی کشور و جایگاه طبقاتی آن
۹۶ (۴-۴) ساختار آموزشی جمعیت دانشجویی کشور
۹۹ بخش دوم: جمعیت و نیروی کار از میانه دهه ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۹۶

۹۹	مقدمه (۱)
۱۰۰	اشتغال، و جمعیت فعال در سازمان اجتماعی تولید (۲)
۱۰۲	ساختار درآمدی جمعیت (فعال و غیرفعال) (۳)
۱۰۴	بیکاری، مشارکت اقتصادی و جمعیت بازنشسته در چند سال گذشته (۴)
۱۰۸	سهم و آمیزه نیروی کار در تولید ناخالص داخلی (۵)
۱۱۱	بخش سوم: سازمان اجتماعی تولید در ایران (۱۱۱)
۱۱۱	مفهوم سازمان اجتماعی تولید (۱)
۱۱۳	«سازمان» و سازمان‌دهی در سازمان اجتماعی تولید (۲)
۱۱۴	سازمان حرفه‌ای یا سازمان کار و پیشه (۳)
۱۱۸	سپهر پیرامونی سازمان اجتماعی تولید (۴)
۱۱۸	نقش و جایگاه حقوق‌داری (مالکیت) در سازمان اجتماعی تولید (۱-۴)
۱۱۹	جایگاه حقوقی «سرمایه» و دارایی در ساختار اقتصادی کنونی کشور (۲-۴)
۱۲۲	جایگاه بخش خصوصی در سازمان اجتماعی تولید (۳-۴)
۱۲۴	مردم و بخش خصوصی (۴-۴)
۱۲۹	جایگاه دولت در سازمان اجتماعی تولید (۵-۴)
۱۳۷	بخش چهارم: روند دگرگونی آمیزه جمعیتی کشور در شش دهه گذشته (۱۳۷)
۱۳۷	دگرگونی جمعیت و طبقه‌های اجتماعی (۱)
۱۴۰	سرمایه‌گذاری، ارزش افزوده و طبقه‌های اجتماعی (۲)
۱۴۱	شغل، وضعیت شغلی، فعالیت اقتصادی (۳)
۱۴۴	زیرساخت‌های سازمان اجتماعی تولید ایران در شش دهه گذشته (۴)
۱۴۹	فصل سوم: جایگاه طبقاتی جمعیت فعال کشور در بخش کشاورزی سازمان اجتماعی تولید (۱۴۹)
۱۵۰	بخش یکم: زیرساخت‌های فنی و جایگاه کارگران کشاورزی در سازمان اجتماعی تولید (۱۵۰)
۱۵۰	مقدمه (۱)
۱۵۱	زمین و کشاورزی: پیش از انقلاب ۱۳۵۷ (۲)
۱۵۸	زمین و کشاورزی، پس از انقلاب ۱۳۵۷ (۳)
۱۶۱	روستایی، رعیت، دهقان، زارع، کشاورز (۴)
۱۶۴	نیروی کار کشاورزی ایران در شرایط کنونی (۵)
۱۶۷	بخش دوم: زیرساخت‌های فنی در بخش کشاورزی سازمان اجتماعی تولید ایران (۱۶۷)
۱۶۷	مقدمه (۱)
۱۷۱	زمین و تجهیزات در کشاورزی و نقش آن در مدل طبقاتی (۲)
۱۷۳	آب و آبیاری در کشاورزی ایران در شش دهه گذشته (۳)
۱۷۴	روش‌های آبیاری زمین و باغ در کشاورزی (۴)
۱۷۵	تلاش برای بهبود و افزایش بهره‌وری (۵)
۱۷۶	بخش سوم: زیرساخت‌های تولید دام و پرندگان (طیور) و آبزیان و زنبور عسل در شش دهه گذشته (۱۷۶)
۱۷۶	مقدمه (۱)
۱۷۷	دامداری و دامپروری (۲)

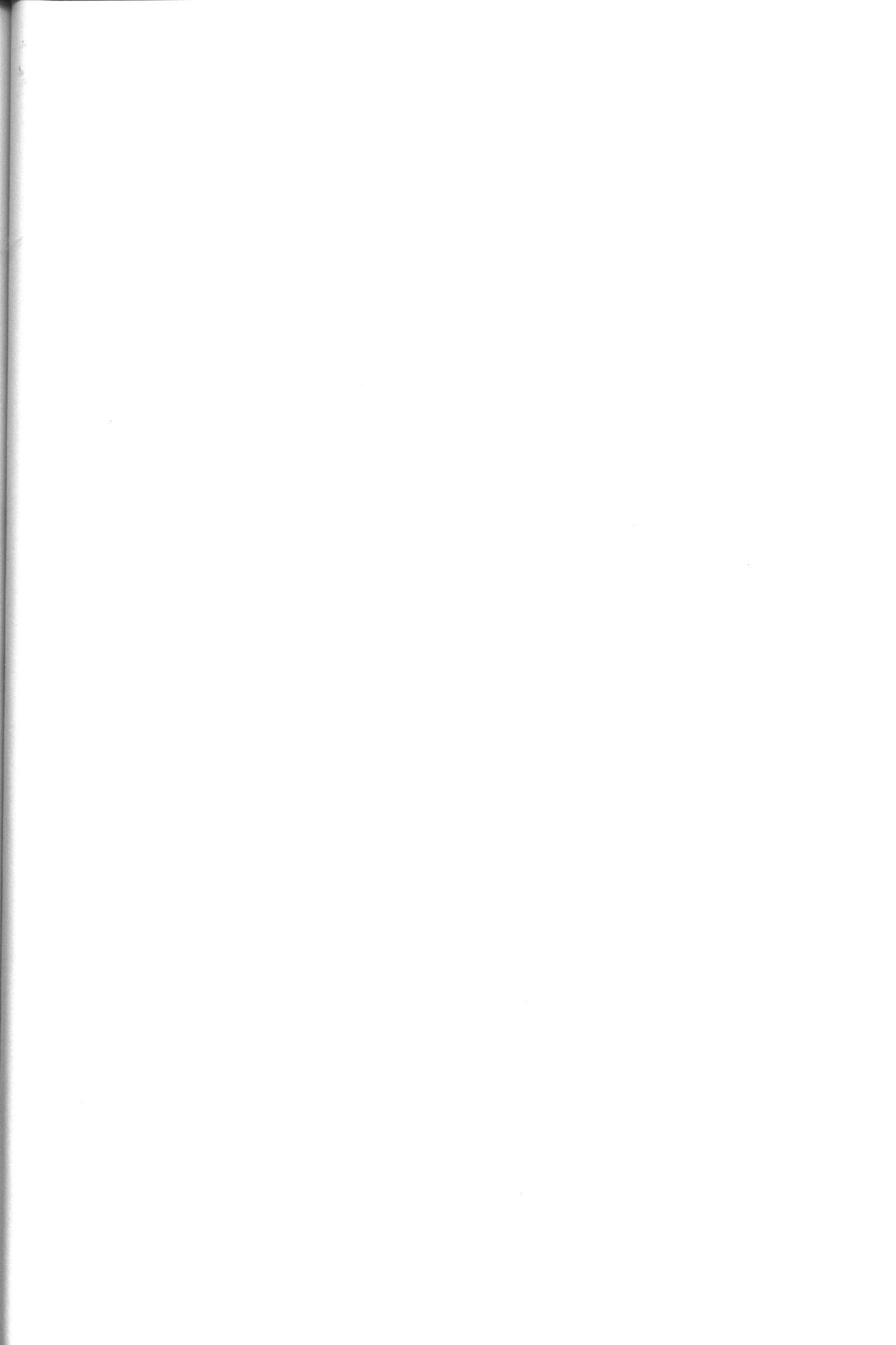
۱۷۹.....	۱-۲ بهره‌برداری‌های دام سنگین
۱۸۳.....	۲-۲ بهره‌برداری‌های دام سبک
۱۸۴.....	۳-۲ اسب، سگ، جانوران بارکش و تفریحی
۱۸۵.....	۳ کارکنان پرورش و تولید مرغ و ماکیان
۱۸۷.....	۴ پرورش و تولید آبزیان
۱۹۰.....	۵ کارکنان پرورش و تولید زنبور عسل
۱۹۳.....	فصل چهارم: جایگاه طبقاتی جمعیت فعال کشور در بخش صنعتی سازمان اجتماعی تولید
۱۹۴.....	بخش یکم: جایگاه بخش صنعت در سازمان اجتماعی تولید
۱۹۴.....	۱ مقدمه
۱۹۷.....	۲ مفهوم و چیستی «صنعت» در سازمان اجتماعی تولید
۲۰۰.....	۳ چکیده روند دگرگونی‌های صنعتی جهان در شش دهه گذشته
۲۰۳.....	۴ چکیده روند دگرگونی‌های صنعتی ایران در شش دهه گذشته
۲۰۷.....	۵ سنتی، مدرن، صنعتی و طبیعی در سازمان اجتماعی تولید
۲۰۸.....	۶ مرزهای مفهومی جدایی صنعت از کشاورزی و خدمات
۲۱۰.....	بخش دوم: زیرساخت‌های سازمانی و فنی بخش صنعت و معدن در سازمان اجتماعی تولید
۲۱۰.....	۱ مقدمه
۲۱۲.....	۲ روش بررسی و تحلیل «کارکنان صنایع» در این کتاب
۲۱۳.....	۳ جایگاه بنگاه‌های صنعتی در سازمان اجتماعی تولید
۲۱۴.....	۳-۱ کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر
۲۲۰.....	۳-۲ کارگاه‌های صنعتی با ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر
۲۲۰.....	۳-۳ شهرک‌های صنعتی و کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر یا بالای ۱۰ نفر کارکن
۲۲۲.....	۴ کارکنان تأمین آب، برق، گاز و تهویه
۲۲۳.....	۵ کارکنان مدیریت پسماند در سازمان اجتماعی تولید
۲۲۴.....	۶ کارکنان صنعت نفت در سازمان اجتماعی تولید
۲۲۷.....	بخش سوم: زیرساخت‌های جمعیتی و مالکیتی بخش صنایع و معادن در شش دهه گذشته
۲۲۷.....	۱ مقدمه
۲۲۹.....	۲ جایگاه استخراج معدن و معدن‌کاری در سازمان اجتماعی تولید
۲۳۲.....	۳ جایگاه کارکنان تولید صنعتی (ساخت) در سازمان اجتماعی تولید
۲۳۳.....	۴ جایگاه کارکنان صنعت ساختمان در سازمان اجتماعی تولید
۲۳۶.....	۵ جایگاه طبقاتی جمعیت فعال شاغل در کل صنعت، معدن و ساختمان
۲۳۹.....	فصل پنجم: بخش «خدمات» و طبقه‌های اجتماعی
۲۴۰.....	بخش یکم: زیرساخت‌های جمعیتی و مهارتی بخش خدمات در سازمان اجتماعی تولید
۲۴۰.....	۱ مفهوم «خدمت» در سازمان اجتماعی تولید
۲۴۲.....	۲ دامنه فراگیری بخش خدمات در سازمان اجتماعی تولید
۲۴۵.....	۳ روند ناگزیر گسترش بخش خدمات
۲۴۷.....	۴ «خدمات»، و زیرساخت‌های فنی و انسانی آن

- بخش دوم: جایگاه خدمات بازرگانی، رستوران و هتلداری در سازمان اجتماعی تولید..... ۲۴۹
- (۱) مقدمه ۲۴۹
- (۲) زیرگروه بازرگانی، رستوران و هتلداری در گروه اقتصادی خدمات ۲۴۹
- (۳) زیرساخت‌های خدمات بازرگانی در سازمان اجتماعی تولید ۲۵۱
- (۴) پیدایش فروشگاه‌های مدرن خرده‌فروشی پیش از انقلاب ۲۵۲
- (۵) گسترش فروشگاه‌های مدرن خرده‌فروشی پس از انقلاب ۲۵۵
- (۶) جایگاه طبقاتی کارکنان بخش خدمات بازرگانی ۲۵۸
- ۶-۱) جایگاه صنوف توزیعی و خدماتی در سازمان اجتماعی تولید ۲۵۹
- ۶-۲) جایگاه عمده‌فروشی و خرده‌فروشی کالا در سازمان اجتماعی تولید ۲۶۲
- ۶-۳) نگاهی به فروشگاه‌های بزرگ خرده‌فروشی کالا ۲۶۳
- ۶-۴) برآورد ساختار طبقاتی کارکنان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی کالا ۲۶۵
- (۷) جایگاه کارکنان رستوران و هتلداری در سازمان اجتماعی تولید ۲۶۶
- بخش سوم: جایگاه کارکنان حمل‌ونقل و انبارداری در سازمان اجتماعی تولید ۲۶۷
- (۱) مقدمه ۲۶۷
- (۲) سامانه حمل‌ونقل کشور و شاخه‌های گوناگون آن ۲۶۸
- ۲-۱) حمل و نقل جاده‌ای کشور و ویژگی‌های آن ۲۶۸
- ۲-۲) حمل‌ونقل عمومی زمینی درون شهری ۲۷۱
- ۲-۳) جایگاه رانندگان تاکسی و دیگر وسایل حمل و نقل شهری ۲۷۲
- ۲-۴) جایگاه رانندگان اتوبوس و مینی‌بوس شهری در سازمان اجتماعی تولید ۲۷۴
- ۲-۵) جایگاه رانندگان موتورسیکلت در سازمان اجتماعی تولید ۲۷۵
- ۲-۶) جایگاه کارکنان خطوط ریلی در سازمان اجتماعی تولید ۲۷۵
- ۲-۷) حمل‌ونقل دریایی و جایگاه آن در سازمان اجتماعی تولید ۲۷۷
- ۲-۸) حمل‌ونقل هوایی و جایگاه آن در سازمان اجتماعی تولید ۲۸۰
- ۲-۹) جایگاه انبارداران و انبارداری در سازمان اجتماعی تولید ۲۸۲
- ۲-۱۰) برآورد ساختار طبقاتی کارکنان حمل‌ونقل و انبارداری ۲۸۳
- (۳) جایگاه طبقاتی کارکنان اطلاعات و ارتباطات در سازمان اجتماعی تولید ۲۸۵
- بخش چهارم: جایگاه طبقاتی کارکنان خدمات مالی و پولی و بیمه در سازمان اجتماعی تولید ۲۸۸
- (۱) مقدمه ۲۸۸
- (۲) سرمایه و سرمایه‌گذاری در شش دهه گذشته ایران ۲۹۲
- (۳) بیمه و تأمین اجتماعی در شش دهه گذشته ۲۹۵
- (۴) آمیزه طبقاتی کارکنان بخش خدمات مالی و بیمه‌ای ۲۹۶
- بخش پنجم: جایگاه طبقاتی کارکنان خدمات آموزشی، و بهداشت در سازمان اجتماعی تولید ۲۹۸
- (۱) جایگاه طبقاتی کارکنان فعالیت آموزش در سازمان اجتماعی تولید ۲۹۸
- (۲) جایگاه طبقاتی کارکنان بهداشت و درمان در سازمان اجتماعی تولید ۳۰۰
- (۳) جایگاه طبقاتی کارکنان بخش‌های عمومی و خدمات اداری ۳۰۲
- فصل ششم: انقلاب ۱۳۵۷ و تأثیر آن بر روند دگرگونی آمیزه طبقاتی جمعیت کشور ۳۰۵

بخش یکم: مفهوم انقلاب اجتماعی، و نقش آن در جا به جایی طبقه‌های اجتماعی ایران.....	۳۰۶
(۱) مقدمه	۳۰۶
(۲) مفهوم و چیستی انقلاب	۳۰۸
(۳) انقلاب و انقلابیگری در تاریخ	۳۱۴
(۴) خاستگاه طبقاتی پیشگامان انقلاب ۱۳۵۷	۳۱۹
(۵) انقلاب و دامنه مفهومی آن	۳۲۰
(۶) انقلاب یا اصلاح	۳۳۰
بخش دوم: پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ و ویژگی‌های طبقاتی آن	۳۳۵
(۱) انقلاب ۱۳۵۷ آن چنان که رخ داد	۳۳۵
(۲) انقلاب ۱۳۵۷ و طبقه‌های اجتماعی	۳۴۲
(۳) نقش و آمیزه نیروهای سیاسی پشتیبان انقلاب ۱۳۵۷	۳۵۰
(۴) نقش و ویژه بازار سنتی در پشتیبانی از انقلاب ۱۳۵۷	۳۵۵
(۵) جا به جایی قدرت سیاسی در دوران حاکمیت دوگانه	۳۵۷
(۶) کمیته‌های انقلاب اسلامی و حاکمیت دوگانه	۳۶۰
بخش سوم: انقلاب ۱۳۵۷ و جا به جایی مالکیت، دارایی‌ها و سرمایه‌های تولیدی و صنعتی	۳۶۸
(۱) مقدمه	۳۶۸
(۲) جا به جایی حق مالکیت سرمایه بزرگ در انقلاب ۱۳۵۷	۳۷۲
(۳) جا به جایی حق مدیریت بر سرمایه‌های بزرگ پس از انقلاب ۱۳۵۷	۳۸۳
(۴) انتقال حقوق مالکیت دارایی‌های مصادره شده به یک طبقه جدید	۳۹۰
فصل هفتم: طبقه‌های اجتماعی و گروه‌های مرجع در ایران کنونی	۴۰۳
بخش یکم: پیشینه نگاه طبقاتی به جامعه ایران در شش دهه گذشته	۴۰۴
(۱) مقدمه	۴۰۴
(۲) بورژوازی در ایران	۴۰۶
۱-۲) مفهوم و جایگاه تاریخی بورژوازی در جهان	۴۰۶
۲-۲) بورژوازی ملی و پیشینه آن در ایران	۴۱۰
۳-۲) برداشت‌هایی از بورژوازی ملی ایران در آستانه انقلاب ۱۳۵۷	۴۱۷
(۳) دریافت وام و پذیرش سرمایه خارجی از دهه ۱۳۴۰ تا آستانه انقلاب	۴۲۰
(۴) بورژوازی کمپرادور در سال‌های آستانه انقلاب، واقعیت یا کژفهمی	۴۲۳
(۵) خرده بورژوازی ایران در آستانه انقلاب ۱۳۵۷	۴۳۱
(۶) آنچه گذشت	۴۳۶
(۷) یادآوری برخی تعریف‌های هم‌پیوند با جستار مایه کتاب	۴۳۸
۱-۷) تکنیسین	۴۳۸
۲-۷) خود اشتغال یا خویش فرما	۴۳۸
۳-۷) دارای درآمد بدون کار	۴۳۸
۴-۷) شغل	۴۳۹
۵-۷) فرصت شغلی	۴۳۹

- ۶-۷) کارفرما ۴۳۹
- ۷-۷) کارکنان مزد و حقوق بگیر ۴۴۰
- ۸-۷) کارگر ساده و کارگر ماهر ۴۴۰
- ۹-۷) گروه‌های عمده شغلی ۴۴۰
- ۱۰-۷) متخصص عالی ۴۴۱
- ۱۱-۷) مهندس ۴۴۱
- ۱۲-۷) وضعیت شغلی ۴۴۱
- ۱۳-۷) گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی ۴۴۱
- ۸) روش و اشناسی طبقه‌های اجتماعی ۴۴۱
- بخش دوم: طبقه‌های اجتماعی سودبنیاد در سازمان اجتماعی تولید کنونی کشور ۴۴۵
- ۱) مقدمه ۴۴۵
- ۲) سرمایه‌داران یا بورژوازی بزرگ و متوسط در ایران کنونی ۴۴۹
- ۱-۲) اندازه و بزرگای بنگاه‌ها و نقش آن در شناخت طبقه‌های اجتماعی ۴۵۳
- ۲-۲) برآورد بورژوازی بزرگ و متوسط در بخش صنعت، معدن، ساختمان ۴۵۵
- ۳-۲) برآورد بورژوازی بزرگ و متوسط در بخش کشاورزی ۴۶۱
- ۴-۲) بورژوازی بزرگ و متوسط در بخش خدمات و بازرگانی ۴۶۷
- ۳) «طبقه جدید» ۴۷۸
- ۴) خرده بورژوازی، طبقه‌ای حقیقی یا حقوقی؟ ۴۸۵
- ۱-۴) مدل شناسایی طبقه‌های اجتماعی - خرده بورژوازی ۴۸۸
- ۵) لومپن بورژوازی ۴۹۱
- بخش سوم: طبقه‌های اجتماعی کاربنیاد ۴۹۶
- ۱) مقدمه ۴۹۶
- ۲) طبقه کارگر ۴۹۹
- ۱-۲) کارگران تولید صنعتی (ساخت) ۵۰۳
- ۲-۲) متصدیان و مونتاژ کاران ماشینآلات دستگاه‌ها و رانندگان ۵۰۴
- ۳-۲) کارگران ساده ۵۰۵
- ۳) کارگران ماهر کشاورزی و کارمندان دفتری و فروش ۵۰۵
- ۱-۳) کارگران ماهر کشاورزی ۵۰۶
- ۲-۳) کارکنان خدماتی و فروش ۵۰۷
- ۳-۳) کارمندان امور اداری و دفتری ۵۰۷
- ۴) طبقه میانه نوین ۵۰۷
- ۱-۴) تکنوکراسی و تکنوکرات‌ها ۵۱۲
- ۲-۳) بوروکراسی و بوروکرات‌ها ۵۱۵
- بخش چهارم: جمعیت‌های بیرون از سازمان اجتماعی تولید ۵۱۸
- ۱) مقدمه ۵۱۸
- ۲) تهیدستان و افراد بی طبقه ۵۱۹

۵۲۲	خاستگاه وزیستگاه تهیدستان	(۳)
۵۲۵	نمونه‌ای از تهیدستی در پیش چشم ما	(۴)
۵۲۷	سخن پایانی
۵۲۹	کتابنامه
۵۳۳	نمایه



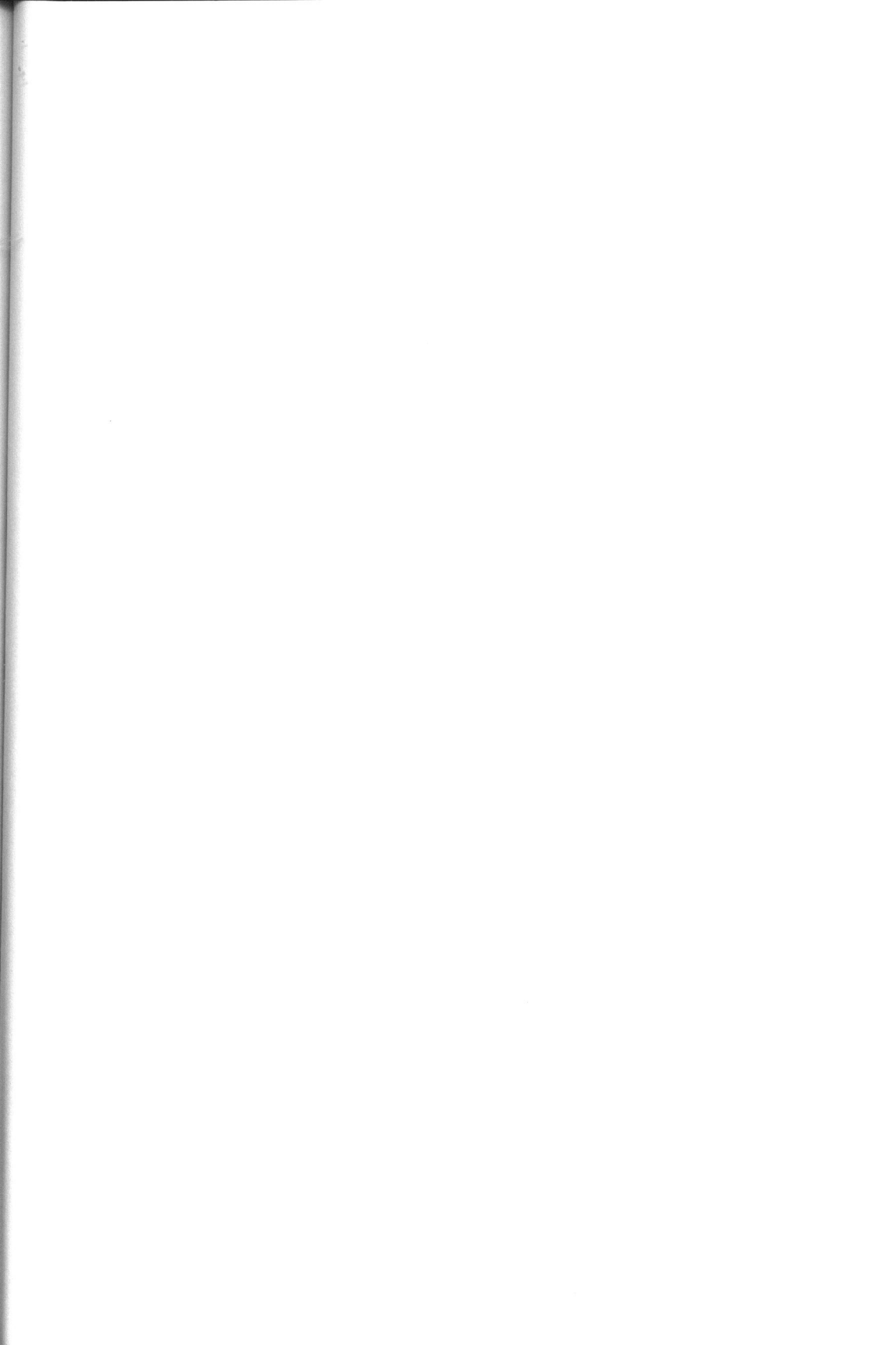
فهرست جدول‌های کتاب

شماره	نام جدول	صفحه
۱-۲	روند افزایش جمعیت و نرخ رشد آن در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵	۸۲
۲-۲	روند افزایش جمعیت ۹ شهر نمونه در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵	۸۵
۳-۲	با سوادی در جمعیت ۶ ساله و بالاتر در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵	۸۹
۴-۲	شاخص توسعه انسانی چند کشور نمونه در جهان در سال ۲۰۱۴	۹۰
۵-۲	دانش‌آموزان و کارکنان آموزشی در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۶	۹۱
۶-۲	نرخ بی‌کاری نیروی کار در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵	۱۰۳
۷-۲	نرخ مشارکت چند کشور نمونه در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶	۱۰۳
۸-۲	نرخ بیکاری در چند کشور نمونه در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶	۱۰۹
۹-۲	روند دگرگونی سهم نیروی کار در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵	۱۰۸
۱۰-۲	دگرگونی نیروی کار گروه‌های اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵	۱۰۹
۱۱-۲	چند شاخص اقتصاد ملی ایران با چند کشور نمونه در سال ۲۰۱۶	۱۰۹
۱۲-۲	همسنجی چند شاخص اقتصاد ملی ایران با چند کشور نمونه... سال ۲۰۱۶	۱۱۰
۱۳-۲	آمیزه‌سازی شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۶	۱۴۲
۱۴-۲	آمار کل کارکنان سازمان اجتماعی تولید در سال ۱۳۹۶	۱۴۳
فصل سوم: جایگاه طبقاتی جمعیت فعال بخش کشاورزی در سازمان اجتماعی تولید		
۱-۳	تولید ناخالص بخش کشاورزی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۴	۱۵۱
۲-۳	پنج کشت و صنعت بزرگ پیش از انقلاب ۱۳۵۷	۱۵۷
۳-۳	وضعیت شغلی کارکنان بخش کشاورزی در سال ۱۳۹۶	۱۶۶
۴-۳	سهم گروه‌های عمده شغلی در بخش کشاورزی در سال ۱۳۹۶	۱۶۶
۵-۳	تولید ناخالص داخلی و سهم تولید و نیروی کار کشاورزی در ۱۲ کشور	۱۶۹
۶-۳	تولید ناخالص سرانه کشاورزی در ۱۲ کشور نمونه	۱۷۰
۷-۳	میانگین بزرگای زمین‌های کشاورزی بهره‌برداران با زمین	۱۷۲
۸-۳	واردات و صادرات کالاهای کشاورزی در سال ۱۳۹۵	۱۷۷
۹-۳	تولید فرآورده‌های پروتئینی در سال‌های نمونه ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۲	۱۷۸
۱۰-۳	آمار بهره‌برداران دارای گاو و گوساله در سال ۱۳۹۶	۱۸۰
۱۱-۳	آمار بهره‌برداران و شمار دام سبک در سال ۱۳۹۶	۱۸۳
۱۲-۳	آمار کارکنان بخش دام و پرندگان صنعتی کشور در سال ۱۳۹۲	۱۸۷
۱۳-۳	آمار کارکنان بخش شیلات و ماهیگیری در سال ۱۳۹۵	۱۹۰
فصل چهارم: جایگاه طبقاتی جمعیت فعال بخش صنعت در سازمان اجتماعی تولید		
۱-۴	آمار کارکنان بخش صنعت و معدن در سال ۱۳۹۶	۲۱۴

۲۱۴	سه‌م صنایع و معدن در تولید خالص داخلی ۱۳۹۵	۲-۴
۲۱۷	شمار کارگاه‌های صنعتی با بیش از ۱۰ نفر، طبقات کارکنان	۳-۴
۲۱۸	شمار کارگاه‌های صنعتی با بیش از ۱۰ نفر، شمار کارکنان	۴-۴
۲۱۹	شمار کارگاه‌های صنعتی با بیش از ۱۰ نفر، نوع مالکیت	۵-۴
۲۱۹	شمار کارگاه‌های صنعتی با بیش از ۱۰ نفر، تعداد کارگاه	۶-۴
۲۲۸	«وضعیت شغلی» در کل بخش صنعتی، معدنی و ساختمانی	۷-۴
فصل پنجم: بخش «خدمات» و طبقه‌های اجتماعی		
۲۴۴	سه‌م زیرگروه‌های بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی	۱-۵
۲۴۵	وضعیت شغلی در کل بخش خدمات بازگانی رستوران و هتل	۲-۵
۲۶۳	آمار واحدهای صنفی دارای پروانه کسب در شهرها	۳-۵
۲۶۹	آمار برخی زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای کل کشور	۴-۵
۲۷۰	همسنگی کل راه‌های جاده‌ای و راه‌آهن ایران با چند کشور نمونه	۵-۵
۲۷۷	عملکرد و امکانات راه‌آهن سراسری کشور در سال ۱۳۹۵	۶-۵
۲۹۴	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات و ساختمان	۷-۵
۲۹۷	آمیزه شغل‌های زیرگروه فعالیت‌های مالی و بیمه‌ای	۸-۵
۲۹۹	آمیزه شغل‌های زیرگروه فعالیت‌های آموزش	۹-۵
۳۰۱	آمیزه شغل‌های زیرگروه فعالیت‌های سلامت انسان و مددکاری	۱۰-۵
۳۰۳	تولید خدمات عمومی به تفکیک وظایف در سال‌های نمونه	۱۱-۵
فصل هفتم: طبقه‌های اجتماعی و گروه‌های مرجع در ایران کنونی		
۴۲۳	د و آمیزه کالاهای وارداتی در سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۵	۱-۷
۴۳۰	درآمد و تولید تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۵	۲-۷
۴۵۶	کارکنان هر گروه از کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر	۳-۷
۴۵۹	وضعیت شغلی کارکنان بخش‌های صنعتی در سال ۱۳۹۶	۴-۷
۴۶۳	وضعیت شغلی کارکنان گروه کشاورزی در سال ۱۳۹۶	۵-۷
۴۶۵	آمار بهره‌برداران دام سنگین در روز آمارگیری در سال ۱۳۹۶	۶-۷
۴۶۶	آمار بهره‌برداران دام سبک در روز آمارگیری در سال ۱۳۹۶	۷-۷
۴۶۸	وضعیت شغلی کارکنان گروه خدمات در سال ۱۳۹۶	۸-۷
۴۹۰	آمار کل کارکنان سازمان اجتماعی تولید برپایه گروه فعالیت‌های اقتصادی» و وضعیت شغلی در سال ۱۳۹۶	۹-۷
۴۹۸	سه‌م کل کارکنان سازمان اجتماعی تولید برپایه ده گروه عمده شغلی، و گروه‌های کلان فعالیت‌های اقتصادی در سال ۱۳۹۶	۱۰-۷
۵۰۳	گروه‌های عمده شغلی در چارچوب طبقه‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۶	۱۱-۷
۵۱۷	آمیزه کارکنان رسمی و غیر رسمی دولت در سال ۱۳۹۵	۱۲-۷

به یاد خویشاوند و دوست دانشمند
روزگار جوانی ام، محمود بهکیش

به جز باد سحرگاهی که شد دمساز خاکستر؟
که هر دم می‌گشاید پرده‌ای از راز خاکستر
به پای شعله رقصیدند و خوش دامن کشان رفتند
کسی زان جمع دست افشان نشد دمساز خاکستر
تو پنداری هزاران نی در آتش کرده‌اند اینجا
چه خوش پر سوز می‌نالد، زهی آواز خاکستر!
سمندرها در آتش دیدی و چون باد بگذشتی
کنون در رستخیز عشق بین پرواز خاکستر!
هنوز این کنده را رویای رنگین بهاران است
خیال گل نرفت از طبع آتشباز خاکستر
من و پروانه را دیگر به شرح و قصه حاجت نیست
حدیث هستی ما بشنو از ایجاز خاکستر!
هنوزم خواب نوشین جوانی سر گران دارد
خیال شعله می‌رقصد هنوز از ساز خاکستر
چه بس افسانه‌های آتشینم هست و خاموشم
که بانگی بر نیاید از دهان باز خاکستر
«هوشنگ ابتهاج»



پیشگفتار

”زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست
هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود
صحنه پیوسته به جاست
خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد“
«ژاله اصفهانی»

۱) چرایی نگارش این کتاب

همه آدمیان مانند هم از مادر زاده می‌شوند و نیازهای زیستی آنها برای بزرگ شدن، زندگی کردن و مردن، هیچ تفاوتی باهم ندارد. اما چه بخواهیم و چه نخواهیم و تا جایی که تاریخ پساتولیدی نشان داده است، نیاز گروهی از آدمیان بیشتر و بهتر به دستشان می‌رسد، و گروهی دیگر کمتر و بدتر. به همین دلیل برخی از آدمیان بهتر و آسوده‌تر زندگی می‌کنند و شاید عمر درازتری داشته باشند، و زندگی برخی با دشواری و رنج بیشتری همراه است و شاید دوران آن کوتاه‌تر. بر کسی پوشیده نیست که هیچ آدمی زادی خواستار زندگی دشوار و عمر کوتاه نیست. هیچ‌کس هم به دل‌خواه خود فقر و ناداری را بر نمی‌گزیند، بلکه بر او تحمیل می‌شود. کسانی هم که در ستایش ناداری و درویشی در زندگی مادی سخن می‌گویند یا تعارف می‌کنند، یا دروغ می‌گویند، یا کسی را فریب می‌دهند، یا از کسی فریب خورده‌اند. سرچشمه همه جنگ‌ها و کشمکش‌های تاریخی، یا ناداری و دسترسی کمتر به زیستمایه‌های موجود است، و یا روی دوم همین سکه یعنی فزون‌خواهی بی‌پایان. «گفت چشم تنگ دنیادوست را، یا قناعت پرکند یا خاک گور». شکل‌گیری همه باورها و آموزه‌های دینی و اخلاقی و عدالت‌جویانه از آغاز تا کنون نیز، یا تلاش برای نکوهش فزونخواهی و آرام کردن ناداران و درویشان و دلجویی از آنها بوده است، یا دستاویز و بهانه‌ای برای توجیه فزونخواهی خود و دیگر فزونخواهان. در هزاران سالی که از زیست آدمیان در شکل کنونی آن می‌گذرد، فقر و غنا یا ناداری و توانگری در کانون اندیشه گروهی انگشت شمار از آدمیانی بوده است که تاریخ آنها را به نام فرزانه، فیلسوف، پیامبر و اندیشمند

شناخته است. می‌توان گفت که هیچ‌یک از این گروه اندک که کار اصلی آنها یا اندیشه‌ورزی بوده است و یا به این راه کشیده شده‌اند، دست‌کم در هنگامه اندیشه‌ورزی گاه درازهنگام خود، به نان شب محتاج نبوده و به همین دلیل فرصت و توان اندیشیدن داشته‌اند. یا هنگامی اندیشه‌ورز شده‌اند که از غم نان شب رهایی یافته‌اند و زندگی آنها با معیارهای زمان خود تأمین بوده و یا تأمین شده است. دارایی خانوادگی، اندوخته مالی، نزدیکی به کانون‌های قدرت، و یا دلاوری و دستیابی به دارایی‌های دیگران از راه جنگ و زورورزی، راه این گروه اندک را به اندیشه‌ورزی باز کرده است. البته بسیاری از کسانی هم که توانگر بوده‌اند، هیچ‌گاه به چیزی جز خود و فزونخواهی بیشتر نیندیشیده‌اند. یعنی گرچه محتاج نبودن به نان شب شرط نخست اندیشه‌ورزی است، اما بیشتر توانگران نه تنها اندیشه‌ورزی نمی‌کنند، که اندیشه‌ستیز هم هستند.

یافتن پاسخ به چرایی این نابرابری و روش از میان برداشتن آن، کار همین گروه اندک اندیشه‌ورز در درازنای تاریخ بوده است، که از این گروه اندک نیز باز گروه بسیار کوچکی به پاسخ‌های خردمندانه و ماندگار رسیده‌اند. این پاسخ‌های ماندگار نیز بیش از آنکه دستاورد دانشمندان امروزی باشد، دستاورد خردمندان تاریخ بوده است. یا با تعبیرهای امروز و در دنیای امروز، می‌توان گفت که این کارهای ماندگار، دستاورد اندیشمندان و دانشمندان خردمند بوده است. دانشمند کسی است که برپایه یافته‌های تجربه مستقیم یا غیر مستقیم، به نتیجه‌ای گاه درخشان و ثابت شدنی دست می‌یابد. اما خردمند کسی است که گاه در نبود هرگونه تجربه مشخص و ثابت شدنی، می‌تواند فرضیه‌ها و پرسش‌های دوران‌سازی را پیش بکشد. شاید هیچ دانشمندی را نتوان بی‌خرد به‌شمار آورد و همه دانشمندان می‌توانند با بهره‌گیری از دانش در دسترس روز فرضیه یک خردمند را به آزمون بگذارند. اما از هزاران دانشمند شاید یک نفر هم نتواند یک فرضیه ثابت نشده اما ماندگار و خردمندانه و کارآمد را پیش بکشد، و یا یک کار هنرمندانه مانند اختراع خط و نوشتن را به جهان پیشکش کند.

در پیوند با چیستی و چرایی نابرابری در به دست آوردن و نگهداری ثروت یا چیزی که امروز می‌توان به آن شناخت ساختار «طبقه‌های اجتماعی» گفت، همان خردمندان و اندیشمندانی که گفتیم در دست‌کم ۵۰۰۰ سال گذشته تلاش‌های بسیاری انجام داده‌اند. فلسفه به معنای ابزارها و روش‌های شناخت هستی، تاریخ به معنای شناخت تاریکی‌های روزگاران گذشته و ریشه دگرگونی‌های اجتماعی، فلسفه سیاسی به معنای پیش‌نهاد راه‌های بهینه‌سازی کشورداری، اقتصاد به معنای تعیین روش‌های بهینه بهره‌برداری از منابع در دسترس، اقتصاد سیاسی به معنای شناخت و بهینه‌سازی پیوند میان اقتصاد کلان و روش‌های کشورداری و دیگر علوم اجتماعی، دستاورد انباشته این

تلاش‌ها نه در سه سده گذشته، که در سراسر تاریخ بوده است. این کوشش‌ها دست آوردهای بسیار ارزشمندی در زمینه تولید و فرآوری زیست‌مایه انسان‌ها داشته است به گونه‌ای که به ویژه اگر دیگر جنگی وجود نمی‌داشت، اکنون همه آدمیان با فروانی زیست‌مایه‌ها روبه‌رو بودند و هرکس می‌توانست با کاری که انجام می‌دهد، به همه نیازهای طبیعی زندگی خود دست یابد، محیط زیست پاکی داشته باشد، و دیگر انسان‌گرگ انسان نباشد. اما آنچه در برابر چشم ما است گواه بر آن است که تا کنون چنین نشده است، و چنین آرمانشهری هنوز یک رؤیا است. یعنی «طبقه‌های اجتماعی» هنوز وجود دارند، و در چشم‌اندازی نزدیک هم چنان آرمانشهری دیده نمی‌شود. هنوز جامعه طبقاتی یک واقعیت است، و شناخت و بررسی ساختار این طبقه‌های اجتماعی برای اندیشمندان پژوهشگران و همه برنامه‌ریزان کشوری، خود یک نیاز کلان اجتماعی است.

مارکس مبارزه طبقاتی را پیشرانه تاریخ و انگیزه همه دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی از جمله انقلاب‌های اجتماعی دانسته است. درستی یا نادرستی این سخن را ما در این کتاب بررسی خواهیم کرد، اما آنچه روشن و آشکار است یکی آنست که هنوز این سخن مارکس یکی از پرسمان‌های همه پژوهشگران و کلاس‌های دانشگاهی است. دیگر آنکه کشاکش برسر دست‌یابی به سهم بیشتری از قدرت اقتصادی و سیاسی در سراسر گیتی دیده می‌شود. سوم آنکه در همین ۴۰ سال گذشته انقلابی اجتماعی در ایران رخ داده است که هنوز نه تنها کشور از دامنه کنش آن بیرون نرفته که تأثیر آن بر دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه نیز حس می‌شود. از این‌رو نه تنها در سراسر جهان، که به‌ویژه در ایران و در پیوند با هم انگیزه طبقاتی انقلاب ۱۳۵۷ و هم پیامدهای طبقاتی آن، بررسی ساختار طبقاتی این کشور و بازنگری و بازاندیشی در معیارها و سنجه‌های ارزیابی آن، یکی از نیازهای جدی هر کنشگر اجتماعی مستقل و به ویژه نهادهای استراتژیک کشور است. اینها، انگیزه نگارش این کتاب از سوی این نگارنده بوده است، که به پستوانه بیش از ۵۰ سال زندگی اجتماعی و کمابیش ۵ سال کار یکسره و پیگیر روی این کتاب، انجام شده است. به باور من، انجام چنین کاری بسیار بایسته و در این زمینه، نه تنها جا برای هیچ‌کس تنگ نیست، که هنوز کار انجام نشده در این زمینه بسیار است که باید از سوی هر یک از ایرانیان که در این زمینه دستی به قلم دارد و اندیشه‌ای در ذهن، دانسته خود را به روی کاغذ آورد. به راستی «زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست، هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود».

در فصل نخست این کتاب، «پارادایم»های اندیشگی و طبقاتی، «مدل»های غربالگری و دسته‌بندی جمعیت شاغل و گروه‌بندی آنها در چند طبقه اجتماعی را

تعریف و نقش آنها را نشان داده‌ایم. در آن فصل همچنین، طبقه‌های اجتماعی را خودبنیاد و دارای سرشت اقتصادی دانسته‌ایم، و برخی دیدگاه‌های بنیادی درباره مفهوم مدرن طبقه اجتماعی را و اشناسانده‌ایم. همچنین، تعریفی از طبقه اجتماعی به دست داده‌ایم که برپایه آن، طبقه‌های اجتماعی به گروه‌های بزرگ و کمابیش پایدار فرادینی، فراقومی، فراجنسی و فرازبانی از جمعیت هر جامعه گفته می‌شود که در چارچوب تاریخی و زمانی ویژه، و سهم و جایگاه خود در مالکیت ابزار تولید و دارایی‌های مشهود یا نامشهود آفرینش ارزش افزوده، پدید آمده‌اند.

از آنجا که جمعیت شرط نخستین سخن گفتن از جامعه و طبقه‌های اجتماعی است، در فصل دوم کتاب، ساختار جمعیتی و «جمعیت شاغل» کشور را بررسی کرده و با سطح سواد، آموزش و مهارت‌های آن که شرط توانایی انجام وظایف شغلی هر هموند سازمان اجتماعی تولید و توزیع است، آشنا شده‌ایم. در آن فصل همچنین از بن‌مایه‌های آفرینش «ارزش» اقتصادی در جامعه و معیارهای سنجش دگرگونی طبقه‌های اجتماعی سخن گفته‌ایم. بن‌مایه‌های «تقسیم اجتماعی کار»، «سازمان اجتماعی تولید و توزیع»، «سازمان کار و پیشه» و پیوند و جدایش مفهومی آنها باهم را نیز تعریف کرده‌ایم. مفهوم «سرمایه» و پرسمان بزرگ «بخش خصوصی» و جایگاه آن در ساختار اقتصادی کنونی و پیشین کشور نیز از دیگر گنگتگوهای این فصل است.

باتوجه به از میان رفتن طبقه دهقانان و جایگزینی آن با بهره‌بردار یا کارگر کشاورزی، در فصل سوم به زیرساخت‌های اقتصاد کشاورزی ایران در دست‌کم شش دهه گذشته پرداخته‌ایم. اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱، پارادایم‌های چیره بر برپایی و چرخاندن بنگاه‌های کشاورزی کشور و آب و زمین در این بازه زمانی، تغییر توازن جمعیتی میان شهر و روستا و مانند آن، از پرسش‌های این فصل است. نقش و جایگاه صنایع استراتژیک پرورش دام و پرندگان در اقتصاد کشاورزی و پیشرفت‌ها و درجا زدن‌های این بخش اقتصادی نیز در سراسر فصل سوم بررسی می‌شود. سرانجام در این فصل باید با دگرگونی در پیوندهای سرمایه‌دارانه اقتصاد کشور و تعیین تکلیف جایگاه طبقه‌ای به نام دهقان در اقتصاد کشور آشنا می‌شویم.

در فصل چهارم سخن برسر نقش و جایگاه «نفت» و «صنعت» در تغییر و آرایش طبقه‌های اجتماعی ایران در شش دهه گذشته است. در این فصل هم‌هنگام با بررسی زیرساخت‌های صنعتی کشور و دستاوردها و ناکامی‌های آن در شش دهه گذشته، جمعیت کارکنان بخش صنعت و معدن کشور را بررسی کرده‌ایم. صنایع نفت و گاز و آب‌و برق نیز از نگر جمعیت و ساختار طبقاتی طبقه کارگر در همان فصل بررسی شده است.

در فصل پنجم، به بررسی نقش و جایگاه بخش گسترده «خدمات»، و نیز جایگاه بورژوازی بزرگ، بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی در خدمات بازرگانی پرداخته‌ایم. عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، رستوران و هتلداری، حمل‌ونقل و انبارداری، خدمات مالی و سرمایه‌گذاری، بیمه و بانکداری، آموزش، تندرستی و خدمات اجتماعی و جایگاه کار و سرمایه و ویژگی طبقه‌ها و قشرای اجتماعی شاغل در گروه خدمات در این بررسی جای می‌گیرد. خواهیم دید که گسترش این بخش در شش دهه گذشته، نقش طبقه میانه نوین و لایه‌های تکنوکراسی و بوروکراسی را در جامعه، پررنگ‌تر از پیش ساخته است. فزون بر آن، در این فصل به چستی طبقه میانه نوین خواهیم پرداخت. همچنین خرده‌بورژوازی، و چالش‌های پرسمان طبقه میانه نوین خواهیم پرداخت. همچنین خواهیم دید که در این بازه زمانی، نه تنها یک «طبقه جدید» گرچه ناپایدار و گذرا، و یک لایه طبقاتی که ما آن را «لومپن‌بورژوازی» نامیده‌ایم، بیش از هر جای دیگر در تاروپود بخش خدمات کشور زاده شده و رشد کرده است. گرچه این طبقه جدید و لایه لومپن‌بورژوازی شاید گذرا باشد و در آینده از بهنه سیاست و اقتصاد کشور زدوده شود، اما هنوز نقش بسیار پررنگی در اقتصاد و سیاست کشور دارد.

باتوجه به نقش بسیار مهمی که انقلاب ۱۳۵۷ بر تاریخ، زندگی، فرهنگ و اقتصاد کشور داشته است، در فصل ششم به بررسی تاریخچه کوتاه این انقلاب پرداخته‌ایم. در این زمینه به مفهوم و چستی «انقلاب»، سرشت و روند پیدایش و پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی شرکت کننده در انقلاب، دوره حاکمیت دوگانه در کشور، سرنگونی بورژوازی یا بخش خصوصی نظام پیشین، مصادره و ملی کردن دارایی‌ها و سرمایه‌های حاکمان سرنگون شده و بورژوازی پیش از انقلاب، و روند و چگونگی جابه‌جایی و انتقال این دارایی‌ها به طبقه‌ها و گروه‌های اجتماعی پس از انقلاب، خواهیم پرداخت.

در فصل هفتم، تلاش کرده‌ایم برپایه برداشت‌های پارادایمی و تئوریک خود و یافته‌های اقتصادی سازمان اجتماعی تولید و توزیع، یک مدل طبقاتی برای کشور پیشنهاد کنیم، و یافته‌های خود را درباره شرایط طبقاتی کنونی کشور و آمیزه طبقه‌های اجتماعی آن، نشان دهیم. این مدل فزون بر برداشت‌ها و باورهای تئوریک نگارنده، برپایه داده‌های نهادهای رسمی کشور و گاه داده‌های معتبری از جاهای دیگر، طرح‌ریزی و تئوریزه شده است. در این فصل، پس از آشنایی کوتاه با برداشت روشنفکران و کنشگران سیاسی دهه ۱۳۵۰ از ساختار طبقاتی کشور، برداشت خود از طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی کنونی کشور مانند سرمایه‌داران (بورژوازی)، طبقه میانه نوین، و طبقه کارگر را نشان خواهیم داد.

مانند همیشه، این نگارنده به هرکسی در هر جای گیتی که سخنی بر من آموخته باشد ارج می‌گذارم. در زمینه مایه‌های اندیشگی و کاری که در این کتاب انجام داده‌ام، خود را به آن دسته از فیلسوفان سیاسی اروپایی که شایستگی این نام را دارند بسیار وام‌دار می‌دانم. همچنین، به همه اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی ایرانی و شرقی که از آغاز تاریخ تاکنون کاری انجام داده‌اند، تا جایی که توانسته‌ام آن را بفهمم و از آن بهره گیرم، همین وام را و شاید بیش از آن را دارم. باینهمه، در سراسر این کتاب من تنها نام آن دسته از اندیشمندان فلسفه سیاسی را آورده‌ام که اثری جدی بر دیدگاه‌های من در این کتاب داشته‌اند و یا راهی را بر من گشوده‌اند. به همین‌سان، از روش فاضل‌مآبانۀ آوردن گفتاوردهای بسیار اما گاه بی‌پیوند با جستارمآیه این کتاب و گاه میان‌تهی، خودداری کرده‌ام. مگر اینکه آموزه‌ای همپیوند با جستارمآیه کتاب در آن یافته باشم. همان‌گونه که پیش‌تر گفته‌ایم، باینهمه، آمادۀ شنیدن راهنمایی ارزشمند خوانندگان گرامی هستم.

۲) سپاسگزاری

در هنگامه نگارش این کتاب با دوستانی در جاهای گوناگون همنشین بوده‌ام، و در گفتگوهای عادی و دوستانه خود با آنان چیزهای بسیاری درباره ساختار اقتصادی و شرایط طبقاتی کنونی کشور فرا گرفته و آن را در این کتاب به کار برده‌ام. بی‌آنکه در هنگام گفتگو چنین هدفی داشته باشم، یا آنکه دوستان من چنین حسی داشته باشند. اما اکنون که نگارش کتاب پایان یافته است، خودم اثر ارزنده آن گفتگوها را در کتاب حس می‌کنم و بی‌آنکه از کسی نام ببرم خود را وامدار آنها می‌دانم. اینان همان کسانی هستند که همواره جویای پیشرفت کار نگارش کتاب بوده‌اند. فزون بر آن، بایسته است از چندتن قدردانی کنم. یکی دوست گرامی جناب دکتر افشین فرهانچی که دو فصل از کتاب را خواند و راهنمایی‌های ارزنده‌ای برای بهبود داشت و من آنها را به کار گرفتم. دیگری، صنعتگر کارآفرین جناب دکتر سعید افشار که در گفتگویی ویژه، درباره جستارمآیه کتاب هم‌اندیشی کردیم، و من راهنمایی‌های ارزشمندی از ایشان دریافت کردم. سه‌دیگر دوست گرانمایه جناب سعید اردهالی مدیر محترم نشر اختران، که این کتاب به همت و با راهنمایی‌های ارزنده او چاپ و روانه بازار شد. امیدوارم همه این دوستان سپاسگزاری مرا بپذیرند.

محمد رحمان‌زاده هروی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۸